

نگاهی به زندگی و کارنامه ایران‌شناسان ژاپنی



رضا نمازی

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی
دانشگاه تهران

مناسبات باستانی ایران و ژاپن

روابط تمدنی و فرهنگی ایران و ژاپن از تاریخ چندهزارساله و معتنا بهی برخوردار است و راهی پر فراز و نشیب را پشت سر گذاشته که بخشی از آن جدا از مَرُوده‌های تعیین‌کننده سیاسی - اقتصادی که خود به نوعی پایه روابط میان ملت‌ها در دوران جدید می‌باشد، مرهون روابط فرهنگی است که به نوعی تضمین‌کننده بقا و پایداری ارتباط میان دو کشور و از نقاط قوت ارتباطی آنان به شمار می‌رود. اوج این روابط را می‌توان در روزگار اعتلای ایران، به‌ویژه در عصر ساسانیان یافت. پس از آن و در ایران پس از اسلام، این مناسبات از مسیری که آن را جاده ابریشم نامیده‌اند، و بیشتر از مسیر جنوب شرق آسیا، هند و چین، دنباله پیدا می‌کند؛ تا آنجا که در عصر جدید -از نیمه دوم سده نوزده میلادی- روابط از سر گرفته شد که آن هم به تأثیر گردش احوال با فراز و فرود همراه بود. از میانه سده بیستم، ملاحظات سیاسی در این پیوند، جای خود را به ضرورت‌ها و مصلحت‌های اقتصادی می‌دهد.

درباره ورود نخستین ایرانیان به ژاپن، گفته‌اند استادکارانی که برای ساختن «معبد آسوکا» در «نارا» از کشور «کودارا» (یکی از پادشاهی‌های سرزمین کره) آمده بودند، چنان‌که از نام آن‌ها نیز بر می‌آید، به راستی «پوسی» یا ایرانی (پارسی) بوده‌اند. همچنین، تندیس‌های گوناگون در آسوکا و شماری آیین‌های بازمانده در این ناحیه و معابد آن نیز نشان از ایران دارد. این فرضیه هم هست که پس از سرنگون شدن شاهنشاهی ساسانی، شماری از شاهزادگان و دولت‌مردان ایرانی به سوی شرق گریختند و کسانی از آنها نیز در گذر ایام به ژاپن آمدند. تحقیقات ژاپنی‌ها در زمینه ایران‌شناسی، جنبه تبلیغ دینی و یا جنبه استعماری نداشته و حتی در پاره‌ای از مواقع، سعی نموده‌اند ارتباط فرهنگی بین دو امپراتوری ساسانی در ایران و آسوکا در ژاپن در قرن هفتم میلادی را ثابت نمایند. اما مهم‌ترین زمینه ایران‌شناسی در ژاپن، به انقلاب مشروطه بر می‌گردد و به نوعی نگاه پژوهشگران ژاپنی به ایران از همین دیدگاه است. بعد از انقلاب اسلامی، نگرش ژاپنی‌ها به ایران تغییر یافت و از مسائل اقتصادی و سیاسی به مسائل هنری و اجتماعی روی آورد. ادبیات فارسی به ویژه شعر -از متون منظوم حماسی گرفته تا آثار عرفانی و شعر غنایی- با قدرت قاهر و نفوذ غالب خود، بخش عظیمی از روابط فرهنگی میان ایران و سرزمین آفتاب تابان را رقم زده‌است. در حقیقت، بررسی درازنای تاریخ روابط فرهنگی میان ژاپن و ایران، بر عاملیت هنر و ادبیات به عنوان ابزارهای مانای فرهنگ‌ساز صحنه می‌نهد و از توانایی بی‌بدیل آن در بسط ارزش‌های والای انسانی که از هر زمان و مکانی فراترند و در طول تاریخ زندگی بشر در هر جغرافیایی جایگاه و ارزش خود را حفظ کرده‌اند، پرده برمی‌دارد.

با این مقدمه، در ادامه به مختصری از زندگی و آثار مهم‌ترین ایران‌شناسان ژاپنی اشاره می‌کنیم.

آشی کاگا، آتسوئوجی Ashikaga, Atsuuji (۱۹۰۱-۱۹۸۳)

آتسوئوجی فرزند یکی از خاندان‌های حاکم ژاپن در قرون میانه می‌باشد. در دانشگاه دوشیسا در کیوتو ادبیات خواند و خدمت علمی خود را با تدریس زبان سانسکریت در دانشگاه کیوتو آغاز کرد. در سال ۱۹۳۲ برای خواندن زبان‌های اوستایی و پهلوی نزد بنونیست^۱ به فرانسه رفت و در پایان این دوره و پیش از بازگشتن به ژاپن، به نمایندگی میهنش در جشن‌های هزاره میلاد

1. Benwenist

فردوسی به ایران آمد. پس از انجام گرفتن این جشن‌ها در پاییز سال ۱۳۱۳ خورشیدی، نزدیک یک سال در ایران ماند، به اصفهان و یزد و شیراز سفر کرد و آموختن زبان‌های ایرانی باستان را دنبال نمود. سفرنامه ایران او یادگار این تجربه است. آشی کاگا به استادی ممتاز دانشگاه کیوتو و ریاست دانشکده ادبیات رسید. همچنین در مقام ریاست انجمن خاورشناسی ژاپن هم که سال‌ها و تا هنگام مرگش با او بود، در پیشرفت مطالعات باختر آسیا در ژاپن کوشید.

اِگامی، نامیو Egami, Namio (۱۹۰۶-۲۰۰۲)

اِگامی پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه توکیو، کارهای تحقیقی خود را در قوم‌شناسی غرب آسیا، چین و مغولستان آغاز کرد. از خاورشناسان صاحب مکتب و اهل نظر ژاپن شناخته می‌شد، چندین کاوش گسترده را در باختر آسیا و از آن میان در ایران برنامه‌ریزی و رهبری کرد و به نتایج درخشان باستان‌شناختی دست یافت. از حاصل تحقیق‌های عمده او کتاب‌هایی در زمینه فرهنگ شمال اروپا-آسیای باستان (یور آسیا هوپو بونکا-نو-کنکیو، ۱۹۵۱)؛ ژاپن، کشور مردمی از تبار سوارکاران؛ مطالعات باستان‌شناسی غرب آسیا؛ و آثار باستانی خاور: مطالعه در فرهنگ آسیا (آجیا بونکا-شی کنکیو، ۱۹۶۵) منتشر شده است؛ و نیز مقاله‌های بسیار؛ از آن میان، یکی با عنوان «اهمیت فرهنگ ایران» (ایران بونکا-نو-جویوسی، در نشریه پژوهشی Museum، ۱۹۵۸). اِگامی پس از درگذشت آشی کاگا، حدود بیست سال و تا هنگام مرگش، ریاست انجمن خاورشناسی ژاپن و همچنین ریاست مؤسسه معتبر پژوهشی و موزه فرهنگ خاورباستان (کودای اورینتو هاکوبوتسوکان) را در شهر میتاکا در توکیو را به عهده داشت.

اوکادا، اِمیکو Okada, Emiko (۱۹۳۲-)

پس از تحصیل در دانشگاه توکیو، برای ادامه تحصیل به دانشگاه تهران رفته و از دانشکده ادبیات درجه دکتری گرفت. اوکادا نخستین ژاپنی است که در سال ۱۳۴۶ درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران دریافت کرد. در بازگشت به ژاپن، در دانشگاه توکیو و دانشگاه‌های دیگر به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت؛ و پس از تأسیس بخش فارسی و ایران‌شناسی در دانشگاه مطالعات خارجی توکیو در سال ۱۹۸۰، دانشیار و سپس استاد این بخش شد و پس از آن درجه استادی دانشگاه چوئو^۲ را یافت. وی تألیفات و آثار متعددی از جمله ترجمه خسرو و شیرین نظامی (۱۹۷۷)، ترجمه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (۱۹۸۰)، ترجمه لیلی و مجنون نظامی (۱۹۸۱)، دل ایرانی (۱۹۸۲) (برنده جایزه باشگاه نویسندگان ژاپن)، ترجمه شاهنامه فردوسی (۱۹۹۹)، ترجمه رباعیات خیام (۲۰۰۴)، زبان‌ها و فرهنگ‌های جهان/اسلام (۲۰۰۸)، تألیف چندین فرهنگ دوزبانه ژاپنی به فارسی و فارسی به ژاپنی، تألیف کتب آموزشی متعدد برای تدریس زبان فارسی در ژاپن و... را در کارنامه خود دارد.

اونو، موریو Ono, Morio (۱۹۲۵-۲۰۰۱)

در توکیو از خانواده‌ای سامورایی تبار به دنیا آمد و در دانشکده علوم دانشگاه توکیو در سال ۱۹۵۰ دانش آموخت و سپس در بخش فرهنگ خاوری این دانشگاه به تدریس مشغول شد. بعدها کرسی تحقیق مردم‌شناسی این دانشگاه را به دست آورد و تا هنگام بازنشسته شدنش (سال ۱۹۸۴)، ریاست مؤسسه فرهنگ خاوری به عهده داشت. از آن پس به تأسیس دانشکده مطالعات خاوری دانشگاه دایتو بونکا^۳ همت نهاد و چند سالی آن را گرداند. در این سالها به تحقیق در روستاهای ترکیه نیز روی آورد. در سال ۱۹۹۳ از این دانشگاه نیز کناره گرفت و پس از آن تا درگذشتش، هر سال چند ماهی را به جهت کارهای پژوهش روستایی در ایران و ترکیه می‌گذراند.

در یکی از نخستین سفرهایش به ایران، روستای خیرآباد در مرودشت فارس را برای پژوهش روستایی برگزید و از سال ۱۹۶۴ تا پایان زندگیش، کمتر سالی بود که از چند روز تا چند ماه در آن منطقه نگذراند. حاصل این پژوهش‌ها کتاب ارزنده او «۲۵

2. Chuo University
3. Daito Bunka

سال نمایش کشاورزی در ایران» (نشر NHK، توکیو، ۱۹۹۰) بود، که ترجمه فارسی آن با عنوان «خیرآباد نامه: ۲۵ سال با روستاییان ایران» در سال ۱۳۷۶ در سلسله انتشارات دانشگاه تهران منتشر شد.

ایتو، گیکیو Ito, Gikkyo (۱۹۰۹-۱۹۹۶)

گیکیو، در ایالت یاماگوچی^۴ ژاپن متولد شد. در سال ۱۹۳۰ میلادی در رشته زبان سانسکریت در دانشکده ادبیات دانشگاه کیوتو، دانش آموخت و از سال ۱۹۴۱ در همان دانشگاه به تحقیق و تدریس آیین زرتشت سرگرم بود تا درجه استادی ممتاز یافت. وی که به وارستگی، گوشه‌گیری و علم دوستی شهرت داشت؛ همواره مورد احترام جامعه دانشگاهی ژاپن بود و تا پایان عمر خود تدریس در شماری از دانشگاه‌ها و پژوهش در آیین زرتشت را از دست نهد. از وی مقاله‌های فراوان به انگلیسی و ژاپنی منتشر شده که برخی از مهم‌ترین آن‌ها «ایران باستان» (کودای پرشیا)، «تحقیق درباره زرتشت» (زُرَاسِتا کِنکیو)، «اندیشه درباره راه یافتن فرهنگ ایران به ژاپن» (پرشیا بونکا تورای کوء) و «مجموعه مقاله‌ها درباره زرتشت» (زُرَاسِتا رونشو) هستند.

ایزوتسو، توشیهیکو Izutsu, Toshihiko (۱۹۱۲-۱۹۹۲)

دانش‌آموخته دانشگاه کی‌ئو در رشته زبان انگلیسی و زبان عربی است. همچنین پس از فراگیری زبان روسی نخستین کتاب خود به نام «روشیاتکی نینگن» (انسان روس‌وار) را منتشر کرد. سرنوشت، وی را به منچوری کشاند و در مرکز پژوهش «شرکت راه‌آهن منچوری» که پیش از جنگ در واقع بر این سرزمین حکومت داشت، پژوهش‌های خود را دنبال کرد، به عرفان اسلامی و معارف قرآنی گرایش یافت و اندوخته ذهنی و دانشی برای آثار ماندنی خود فراهم ساخت. از این آثار می‌توان جوهر اعتقاد در الهیات/اسلام (نشر دانشگاه کی‌ئو، توکیو، ۱۹۶۵)، حقیقت و بیدار/دلی (نشر ایوانامی، توکیو، ۱۹۸۳)، فرهنگ/اسلامی (نشر ایوانامی، توکیو، ۱۹۸۶)، ترجمه فیه مافیه، در اقوال جلال‌الدین رومی نوشته بهاء ولد، و ترجمه کتاب مشاعر ملاصدرا را یاد کرد. ایزوتسو در انجمن فلسفه ایران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل کانادا که از سال ۱۳۴۷ بنیاد گرفت، فعال و از ارکان علمی آن بود؛ و سال‌های بسیاری را در کار پژوهش در این بنیادها در ایران و کانادا گذراند. پس از مرگ وی، یادنامه‌ای به همت استاد سید جلال‌الدین آشتیانی، تاکاشی ایوامی و دیگران با مقاله‌هایی به انگلیسی از همکاران و شاگردانش انتشار یافت (نشر ایوانامی، توکیو، ۱۹۹۸).

ایموتو، ایچی Imoto, Eichi (۱۹۳۰-)

دانش‌آموخته دانشکده ادبیات دانشگاه کیوتو و متخصص تمدن و فرهنگ ایران باستان، سنت‌ها و اعتقادات ایرانیان و روابط تاریخی ایران و ژاپن است. استاد بخش زبان فارسی و ایران‌شناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا، و همچنین پس از آن در دانشگاه مومویاما گاکوئین بوده‌است. ایموتو از گردانندگان اصلی انجمن خاورشناسی ژاپن است. حاصل پژوهش‌های ایموتو در تمدن و فرهنگ ایران و فولکلور ایران و ژاپن تاکنون در صدها مقاله و ده‌ها کتاب انتشار یافته و روشن شدن گوشه‌هایی از تاریخ پر رمز و راز روابط فرهنگی کهن ایران و ژاپن مدیون تلاش‌های عالمانه اوست.

اینوئه، ایچی Inoue, Eiji (۱۹۱۱-۱۹۸۶)

در مدرسه زبان‌های خارجی توکیو (اکنون دانشگاه مطالعات خارجی) زبان هندی آموخت؛ با شوقی که به زبان فارسی یافته بود، داوطلب دوره کارآموزی مترجمی وزارت خارجه ژاپن در ایران شد و نخستین بار از راه سیبری و روسیه به ایران آمد. از آن پس پنجاه سال زندگی کاری پر فراز و نشیب او بیشتر در ایران و چند سالی در افغانستان گذشت و با آشنایی نزدیک به احوال ایران و تسلطی که به فارسی گفتاری یافته بود، کارگشای دستگاه دیپلماسی و نیز بنگاه‌های اقتصادی و بازرگانی ژاپن در ایران بود. در سال‌های میانه عمر، به تحقیق و نوشتن روی آورد؛ که حاصل این بخش از فعالیت او مقاله‌های متعدد در

بررسی وضع ایران است که بیشتر در ماهنامه انجمن دوستی ایران و ژاپن چاپ می‌شد. در دو دهه پایانی عمر و در سال‌هایی که میان مأموریت‌هایش در ایران در ژاپن می‌گذراند، اداره کارهای این انجمن را نیز به عهده داشت. دلبستگی اینوئوه به ایران تا آنجا بود که پس از مرگش و برابر وصیت وی، فرزندش نیمی از خاکستر پیکر او را به ایران آورد و به خاک سپرد (امرداد ماه ۱۳۶۵). پس از درگذشتش، ماسایوکی اینوئوه، فرزند او، منتخبی از یادداشت‌های پدر را با عنوان «واگا- کایسوء-نو- ایران» (خاطره‌هایم از ایران) چاپ کرد که ترجمه فارسی این یادداشت‌ها از سوی دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر شده است (ترجمه هاشم رجب‌زاده، تهران، ۱۳۸۳).

سوگیتا، هیده‌آکی Sugita, Hideaki (۱۹۵۶-)

دانش‌آموخته دانشگاه کیوتو، با سابقه پژوهش در هنر، جامعه و ادبیات ایران و عرب است. از مقاله‌های متعددی که در رشته تحقیقی خود منتشر کرده، می‌توان تصویر ژاپن در کتابهای درسی جهان عرب، نقش حمام در ادبیات فارسی و عربی، فواره‌ها در دنیای اسلام، کتاب خواندنی و ماندنی او «نیهون جین- نو- چوتو هاکن» (خاورمیانه از نگاه ژاپنی‌ها، نشر دانشگاه توکیو، ۱۹۹۵) مجموعه‌ای ارزنده از حاصل مطالعات منسجم و آراء منطقی درباره تصویر ذهنی ژاپنیان از ایران و اسلام و موجبات و مایه‌های پیدا آمدن آن را نام برد.

شیبا، ریوتارو Shiba, Ryotaro (۱۹۲۳-۱۹۹۶)

دانش‌آموخته دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا در رشته زبان مغولی، نویسنده پرآوازه داستان‌های تاریخی و دلبسته ایران و جاده ابریشم بود. بیش از پنجاه اثر ارزنده درباره تاریخ و تمدن ایران، ژاپن، ماوراءالنهر و دیگر سرزمین‌های شرق و غرب آسیا از خود به یادگار گذاشته‌است. پس از نخستین کتابش به نام «گنجوتسوشی» (ساحره ایرانی) که ممتاز شناخته شد، ده‌ها جایزه ادبی گرفت. دوست می‌داشت که درباره دوره میجی (سال‌های سرنوشت‌ساز ۱۸۶۷ تا ۱۹۱۲، عصر تجدّد ژاپن) داستان‌های تاریخی بنویسد. او در این عصر رویدادها و دگرگونی‌های دوران‌ساز می‌دید، و از میان مردان این دوره که کوشیدند تا نظم نوینی فرا آورند به ریوما ساکاموتو دلبسته بود. شība بینش ویژه خود را از تاریخ داشت، که به نام خود او «شیبا شیکان» خوانده شده‌است. سال‌های جنگ اقیانوس آرام را در منچوری گذرانده بود و سختی آن ایام را از یاد نمی‌برد. جنگ را دیوانگی و نابرداری می‌دانست. شība شیفته ایران بود و سهم بزرگ این سرزمین و مردم آن را در تمدن جهانی می‌ستود.

فوکایی، شین جی Fukai, Shinji (۱۹۲۴-۱۹۸۵)

پس از فراغت از تحصیل از دانشگاه توکیو، به تدریس و تحقیق در رشته هنر ایرانی و هنر در دنیای اسلام در این دانشگاه پرداخت. از مهم‌ترین آثار او، هنر ایرانی (نشر کودکان، ۱۹۶۵)، هنر اسلامی (نشر گاکوشو، ۱۹۷۲) و شیشه ایرانی است. تألیف‌ها و مقاله‌های فوکایی به‌خصوص درباره شیشه ایرانی و فن و هنر ساخت آن، از دقت و اعتبار علمی خاص برخوردار است.

فوکوشیما، یاسوماسا Fukushima, Yasumasa (۱۸۵۲-۱۹۱۹)

فوکوشیما در اواخر سده نوزده، پس از درگیری ژاپن با چین و چند سالی پیش از جنگ ژاپن با روس، مأموریت شناسایی سرزمین‌های غرب آسیا، ایران و مستملکات عثمانی را یافت و در مسیرش به هند و خاور دور هم رفت. او را در ژاپن به لقب «شوگون» (سپهدار) می‌نامند و «کاشف آسیای میانه» می‌شناسند. چند سفرنامه خواندنی از خود به یادگار گذاشته که بخش چشم‌گیری از آن شرح گشت و گذار و دیدارهایش از ایران است. نخستین سفرش به ایران در بهار و تابستان ۱۸۹۶ (۱۳۱۳ق) بود که در بوشهر پیاده شد و به تهران آمد. با مظفرالدین‌شاه و شماری از رجال قاجار دیدار کرد؛ اما چون نتوانست مشق قشون را ببیند، از راه رشت، باکو، تفلیس و ولادیقفقاز به ترکستان

رفت و پس از چندی از راه خوقند به مشهد آمد و بار دیگر روانه تهران شد. از آن‌جا به عربستان رفت و سپس به بوشهر بازگشت، و با کشتی راهی هند و برمه شد، و در ماه مارس ۱۸۹۷ به ژاپن بازگشت.

کاتسوفوجی، تاکشی Katsufuji, Takeshi (۱۹۳۱-)

دانش آموخته دانشکده ادبیات دانشگاه کیوتو، با گرایش تحقیق در تاریخ ایران دوره مغول، تاریخ و فرهنگ افغانستان و تاریخ چین است. ایران‌شناس صاحب‌دل لطیف‌طبع که پس از سرآمدن دوره تدریسش در بخش‌های ایران‌شناسی و تاریخ و فرهنگ چین در دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا با درجه استادی ممتاز، در دانشگاه ایالتی ایواته^۵ در شمال ژاپن کرسی تدریس یافت. کاتسوفوجی انجمن ایران‌شناسی ژاپن را در سال ۱۹۸۲ بنیاد نهاد، که شماری از فعال‌ترین ایران‌پژوهان ژاپن در آن شرکت دارند و مجلس سالانه خود را هر بهار در یکی از دانشگاه‌های معتبر ژاپن و به میزبانی یکی از استادان ایران‌پژوه برگزار می‌کنند. کاتسوفوجی در فارسی‌دانی و آشنایی با فرهنگ و ادب ایران در جامعه دانشگاهی ژاپن ممتاز و از احترام و اعتبار خاص برخوردار است. از نوشته‌های وی مقاله‌های «تحقیق تاریخی تحولات ایران و افغانستان» (۱۹۸۵) و «سفر وامبری به آسیای میانه» (۱۹۹۲) است. از کتاب‌های منتشرشده او می‌توان به برگزیده /مثال فارسی به ژاپنی (با همکاری هاشم رجب‌زاده، نشر دایگاکو شورین، توکیو، ۱۹۹۳م) اشاره کرد.

کازاما، آکیو Kasama, Akio (۱۸۸۵-۱۹۴۵)

نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران (۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ خورشیدی)، دیپلماتی برجسته و آگاه و اهل علم بود. در کمتر از سه سال مأموریت خود در تهران درباره تاریخ ایران به مطالعه پرداخت، ذوق و هنر ایرانیان را ستود و به ادب فارسی دل بست؛ و چون به وطن بازگشت یادداشتهای خود را مدون ساخت و با عنوان «سرزمین‌های بیابان؛ ایران، عربستان و ترکیه» (ساباکو-نو-کونی؛ پروشیا، غربی، تورکو) انتشار داد (نشر ایوانامی، توکیو، ۱۹۳۵). از تألیف‌های دیگر او یک دوره کتاب در سه مجلد با عنوان کای-کیو-تو (مردم مسلمان) در تحقیق اقوام مسلمان است (نشر ایوانامی، توکیو، ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱). او پس از مأموریت در ایران، وزیر مختار ژاپن در لیسبن پرتغال شد و سپس در میانه جنگ اقیانوس آرام (۱۹۴۳) به فرمانداری نظامی-سیاسی ویتنام که به اشغال ژاپن درآمده بود، در هانوی، منصوب شد. در ماه آوریل ۱۹۴۵ (بهار ۱۳۲۴)، چند ماهی پیش از پایان گرفتن جنگ، کازاما در راه برگشت با کشتی به ژاپن بود که این کشتی در غرب دریای چین هدف قرار گرفت و به زیر آب رفت و کازاما نیز روزگارش سرآمد.

کیتاگوا، سی‌ایچی Kitagawa, Seiichi (۱۹۴۷)

سی‌ایچی که دانش آموخته دانشکده ادبیات دانشگاه هوکایدو و از شاگردان مینوبو هوندا به شمار می‌رفت، به تحقیق در تاریخ دوره ایلخانان ایران، تاریخ ارمنستان و مغولان در غرب آسیا علاقه‌مند بود. سی‌ایچی استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه هیروساکی و اکنون استاد بخش مطالعات اسلامی دانشگاه توهوکو در سیدای در شمال ژاپن بود. از مقاله‌های وی بنیاد گرفتن نکودریان؛ امپراتوری مغول، و گرجستان در قلمرو ایلخانان است.

گامو، ری‌ایچی Gamo, Reiichi (۱۹۰۱-۱۹۸۸)

در مدرسه زبان‌های خارجی توکیو (اکنون دانشگاه مطالعات خارجی) زبان هندی آموخت، و تحصیل را در هند، ایران و اروپا دنبال کرد. با آنکه تحصیل و تدریس وی در رشته هندی و زبان اردو بود، در کار تحقیق به ایران‌شناسی علاقه داشت. تاریخ و فرهنگ ایران (ایران-نو-رکیشی توبونکا، نشر هاکوبونشا، توکیو، ۱۹۴۱) و شاعران پارسی‌گوی (پروشیا-نو-شی جین، نشر کینو کونیا، توکیو، ۱۹۶۴) از تألیف‌های او در این زمینه به شمار می‌روند. همچنین یکی از بهترین ترجمه‌های گلستان سعدی به ژاپنی را نیز ری‌ایچی گامو فراهم آورده است.

ماتسوموتو، سی ایچو Matsumoto, Seiicho (۱۹۰۲-۱۹۹۲)

از محبوب‌ترین نویسندگان داستان‌های رمزی در ژاپن، که نوشته‌های گزارش‌گونه و تحقیقی هم دارد. در نوشته‌های تحقیقی و تاریخی او، ایران و تمدن باستانی آن جای خاص دارد، و مجموعه‌ای از این نوشته‌ها را در کتاب معروف خود «پرسپولیس کارا آسوکانه» (از تخت جمشید تا آسوکا - پایتخت باستانی ژاپن) آورده‌است.

هاندا، آکیرا Haneda, Akira (۱۹۱۰-۱۹۸۹)

دانش‌آموخته رشته تاریخ شرق در دانشگاه امپراتوری در کیوتو (۱۹۳۴) و دانشگاه پاریس (۱۹۳۸) است. در این سال‌ها کار پژوهش را در تاریخ چین باستان و اقوام ترک دنبال گرفت، و زبان‌های عربی، ترکی و فارسی را هم آموخت. پس از بازگشتن به ژاپن، عضو مؤسسه تحقیقات آسیایی شد (۱۹۳۹). از سال ۱۹۴۰ به تدریس تاریخ خاور زمین در دانش‌سرای کیوتو پرداخت و پس از یک سال مقام استادی یافت. در سال ۱۹۴۹ استاد دانشکده ادبیات دانشگاه کیوتو شد و تدریس تاریخ غرب و میانه آسیا و نیز تدریس تاریخ آسیای جنوب غربی و زبان ترکی را در بخش مطالعات آسیای باختری این دانشکده دنبال کرد. در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۹ ریاست این دانشکده را داشت، و در سال ۱۹۷۳ با عنوان استادی ممتاز بازنشسته شد؛ اما تدریس را در مراکز علمی دیگر دنبال کرد. از مقاله‌های او «شرق ترکستان در اواخر دوره مینگ و اوایل دوره امپراتوری شینگ» (۱۹۴۲) و «سیاست حکومت چین دوره سلسله شانگ در برابر مسلمانان» است.

یاگی، کامه‌تارو Yagi, Kametaro (۱۹۰۸-۱۹۶۸)

در شهر ماتسویاما در شیکوکو (یکی از جزایر جنوبی ژاپن) به دنیا آمد و پس از گذراندن دوره مدرسه در زادگاه خود وارد دانشکده ادبیات دانشگاه امپراتوری (دانشگاه توکیو کنونی) شد. پس از چندی تجربه‌اندوزی در دانشگاه هوسی، از سال ۱۹۳۸ دانشیار دانشگاه مطالعات خارجی توکیو گردید. در سال ۱۹۳۹ به بنگاه تحقیقات آسیایی در منچوری رفت، و در آن‌جا با استاد اسلام‌شناس فقید توشیهیکو ایزوتسو آشنایی یافت. از سال ۱۹۴۹ به دانشگاه علوم بازرگانی ماتسویاما، زادگاه خود بازگشت. در سال ۱۹۶۹ رئیس این دانشگاه و همچنین رئیس هیأت امنای آن شد، و این سمت را تا بازنشسته شدنش در سال ۱۹۷۴ بر عهده داشت. از کتاب‌های او شرح دیانت اسلام (۱۹۳۷)، زبان فارسی (۱۹۴۳)، زبان هندی (۱۹۴۳) و ترجمه شعرهای فارسی (۱۹۶۰) را می‌توان نام برد؛ اما در مقاله‌هایش بیشتر به بررسی عقاید و مکاتب فکری پرداخته، و از ۳۶ عنوان فهرست‌شده در یادنامه او، اکثر آن پیرامون اندیشه و فرهنگ در ایران است.

یوشیدا، ماسهارو Yoshida, Masaharu (۱۸۵۲-۱۹۲۱)

ماسهارو یوشیدا که در خانواده‌ای سامورایی به دنیا آمده و بزرگ شده، صاحب‌منصب وزارت خارجه ژاپن و رئیس هیأت سفارتی است که این دولت به دربار ناصرالدین شاه فرستاد (۱۸۸۰م/ ۱۲۹۷-۹۸ق). یوشیدا از فعالان جنبش مشروطه‌خواهی در عصر میجی (۱۸۶۸ تا ۱۹۱۲م) بود. وی پس از بازگشتن از مأموریت سفارت به ایران و عثمانی، گزارش سفرش را به وزارت خارجه ژاپن داد، و یادداشت‌های خود را نیز جداگانه تدوین کرد که با عنوان «سفر ایران» در سال ۱۸۹۴ در توکیو به چاپ رسید. در سال ۱۸۸۲ که ایتو هیروبومی از پیشروان نهضت تجدد ژاپن برای الگو گرفتن و تهیه طرح قانون اساسی ژاپن به اروپا می‌رفت، یوشیدا به عضویت هیأت همراه او انتخاب شد.

مآخذ:

رجب‌زاده، هاشم؛ جستارهای ژاپنی در قلمرو ایران‌شناسی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، چاپ اول ۱۳۸۶.
رجب‌زاده، هاشم؛ ایران‌شناسی در ژاپن، به کوشش کینجی ائورا، نشر مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۹.